

رعایت قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا با رسیدگی به دعوی تقابل

حسن محسنی*

الف. گزارش پرونده^۱:

«به حکایت دادخواست الف. به طرفیت آقای ع. الف. و به خواسته صدور حکم به خلع ید از یک قطعه زمین ملکی دولت و قلع و قمع بنای احدائی در آن هرکدام مقوم به بیست و یک میلیون ریال و محکومیت خوانده به پرداخت هزینه‌های دادرسی اجماً در مشروحه درخواست ابراز شده پلاک ۴۳۲۴ اصلی بخش یک بیرجند بنام این اداره به مساحت تقریبی ۲۸۶ متر مربع در اراضی شمال شهر بیرجند از سوی خوانده تصرف گردیده بدون آنکه مدرک مالکیت معتبری و یا مجوزی قانونی داشته باشد، لذا درخواست حکم به خلع ید و قلع و قمع بنای احدائی و پرداخت کلیه هزینه‌های دادرسی و حق الوکاله و کیل را داریم. این دادخواست ثبت دادگستری بیرجند شده و به شعبه اول حقوقی، ارجاع در مورخ ۱۳۹۲/۱/۵ پیوست این دادخواست دلیل سمت ض. د. رئیس اداره خواهان، تصویر مصدق سند ثبتی شماره ملک ۴۳۲۴ متصل به شماره... شماره ثبت ۸۲۳۸ دفتر ۲۶ صفحه ۵۷۱ بخش یک بیرجند که به تاریخ ۱۳۵۳/۵/۷ در صفحه سوم سند تصریح شده (شش دانگ یک قطعه زمین موات). این دادخواست پس از ثبت شعبه اول حقوقی بیرجند، بدون معلوم داشتن وقت رسیدگی یا نظارت، با تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۵ از سوی واحد ارشاد و معاضدت قضایی بیرجند، قرار ارجاع امر به کارشناسی به استناد دستورالعمل شماره یک طرح جامع رفع اطاله دادرسی مصوب ۸۴/۷/۳۰ را صادر می‌نماید (ص

*دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران hmohseny@ut.ac.ir

۱. گزارش با به‌کارگیری برخی نشانه‌های نگارشی و سجاوندی و نیز رأی عیناً از بانک آراء پژوهشگاه قوه

قضاییه به نشانی زیر نقل می‌شود:

<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx?a=1> (1396/10/30)



۶). نظریه کارشناسی به شماره ۱۳۷ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۸ در صفحات ۷ لغایت ۹ پرونده پیوست در نظریه کارشناسی قید شده (با ملاحظه وضع محل و ارائه معرفی ملک مورد دعوی توسط نماینده اداره راه و مسکن و شهرسازی عبارت است از شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۸۶ مترمربع ... هیچ‌گونه بنا ساختمانی داخل در زمین مذکور احداث نشده و فقط در حد جنوب، دیواری به ارتفاع یک متر فقط سنگ‌کاری شده و سنگ‌کاری مذکور بدون ملات سیمان و یا شن و آهک و یا گل احداث شده و یک عدد چهارچوب فلزی در حد جنوب نصب گردیده است). وقت اجلاس رسیدگی ۱۳۹۲/۲/۲۲ مقرر، نمایندگان حقوقی خواهان معرفی (ص ۱۶). در وقت مقرر اجلاس منعقد (صفحات ۲۰ و ۲۱). نمایندگان خواهان همان خواسته دادخواست را دوباره، مطرح و دادگاه خطاب به خواننده با توجه به دعوی خواهان و اظهارنظر کارشناس منتخب دادگاه قرائت شده، مشروحاً دفاعیات خود را بگوید: خواننده پاسخ داده: اینجانب طی قولنامه از آقای ع. (ناخوانا) حدود ۲۵ سال پیش ملک مذکور را خریداری نمودم و این ملک و بقیه ملک، مالک آقای ع. (ناخوانا) بوده که موجود می‌باشد و طبق استشهادیه محلی و سابقه‌ای که داشته زمین مذکور قسمتی از دامداری (ناخوانا) که از زمان گذشته دامداری بوده است و قبلاً هم سال‌های دایر و زراعی دیم بوده است. در لایحه پیوست این اجلاس صفحات ۱۷ لغایت ۱۹ که به شماره ۰۰۶۴۰-۹۲ مورخ ۹۲/۲/۲۲ ثبت‌شده اجمالاً به نظریه کارشناس ضمّ دادخواست (از سوی واحد ارشاد و معاضدت قضایی بیرجند صادر شده) معترض و تقاضای هیأت کارشناسی را دارم زیرا اراضی ملکی بنده جزء اراضی پلاک ۴۳۲۴ اصلی نمی‌باشد. لذا سند رسمی ضمّ دادخواست، ارتباطی به ملک و تصرفات اینجانب ندارد. اراضی مورد ادعا جنب ... است که تصرفات مرا شامل نمی‌گردد. اراضی بنده خروج موضوعی از اراضی مورد ادعای سازمان دارد و داخل در پلاک ۴۳۲۴ نمی‌باشد، تقاضای أخذ پرونده ثبتی و بررسی نحوه ثبت اراضی و ابطال سند رسمی را دارم (این امر مستلزم تقدیم دادخواست بوده). با عنایت به تقدیم دادخواست تقابل در این پرونده تا رسیدگی به دعوی تقابل رسیدگی به دعوی خلع ید و قلع و قمع بنای، جایگاه قانونی ندارد (اصل

دادخواست تقابل در پرونده امر از صفحات یک لغایت صدور رأی و ختم دادرسی (ص ۳۶) ملاحظه نگردید، لکن تصویر دادخواست تقابل در صفحات ۴۵ و ۴۶ پرونده محاکماتی ضمیمه است). چون دعوی طاری رابطه مستقیم با دعوی اصلی دارد رسیدگی توأمان را درخواست دارم. دادگاه در اخیر اجلاس دادرسی تصمیم گرفته (ص ۲۲ و ۲۱) قرار ارجاع امر به هیأت کارشناسی با عزیمت به محل وقوع ملک و مطالعه پرونده ثبتی و ترسیم کروکی و حدود اربعه ملک و تطبیق با اسناد و نقشه ثبتی و مستحذات ایجادشده اقدام نمایند. اسامی هیأت کارشناسی در رشته امور ثبتی را درج نموده‌اند. پس از توجه دادن مراتب کارشناسی به کارشناسان (ص ۲۳) نظریه هیأت کارشناسی (ص ۲۶) که به شماره ثبت ۱۱۸۳-۰۹۲ مورخ ۹۲/۴/۵ مرقوم شده (حین شور نیز قرائت می‌گردد). اجمالاً ملک مورد اختلاف یک قطعه زمین شمالاً به طول ۱۵ متر سنگ‌چین شده بدون ملات به باقی مانده ۴۳۲۴ اصلی شرقاً ۱- به طول ۷ متر سنگ‌چینی است بدون ملات به باقی مانده مذکور ۲- به طول ۲۰ متر به دیوار محوطه‌های ساخته‌شده جنوباً سنگ‌چینی است به ارتفاع تقریباً دو متر و درب ورودی به طول نه متر به باقی مانده ۴۳۲۴ اصلی غرباً ۱- به طول ۱۸ متر به دیوار منازل ساخته‌شده ۲- به طول ۷ متر سنگ‌چینی بدون ملات به باقی مانده پلاک ۴۳۲۴ اصلی به مساحت ۳۰۲ متر مربع فاقد ساختمان و بر روی تپه واقع است. جریان ثبتی اراضی پلاک ۴۳۲۴ اصلی بخش دو بیرجند یک قطعه زمین موات ... بنام دولت به نمایندگی اداره دارایی بیرجند به استناد لایحه ثبت اراضی ۳۱/۵/۲۸ به تصویب کمیسیون مشترک مجلسین رسیده، قبول ثبت گردیده آگهی نوبتی آن، منتشر و اعتراضی به پرونده ثبتی نرسیده برابر صورت‌مجلس تمدید شماره ۳۸۲۰-۳۵۳/۵/۶-۳۵۳، تحدید حدود پلاک در تاریخ‌های یکم الی ششم مرداد ۱۳۵۳ به‌عمل آمده و سند مالکیت در ۱۳۵۳/۵/۷ پس از انجام تحدید حدود به استناد ماده ۲ قانون افراز و ثبت اراضی سازمان مسکن، صادر و تسلیم شده. ملک مورد اختلاف در محدوده سند مالکیت دولت قرار دارد و فاقد هرگونه اعیان و مستحذات می‌باشد. دادگاه ابلاغیه جهت رؤیت نظر کارشناسی ارسال نموده، خوانده استشهادیه شهود ۶ نفر مشعر بر خرید وی از آقای ع.خ. در ۱۳۶۸/۳/۲۹ ابراز و ملک مورد تصرف به‌صورت

دیهمزار و توسط وی حصارکشی شده است (ص ۲۹). دادگاه با عدم وصول اعتراض، ختم رسیدگی را اعلام، طی دادنامه شماره ۰۳۹۹-۰۰-۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۸ (شعبه اول حقوقی بیرجند) (ص ۳۶) با گزارش از تحولات پرونده به شرح منعکس دادگاه با اوضاع و احوال موجود قضیه نظر هیأت کارشناسان سه نفره با محل مطابقت داشته^۱، لذا دادگاه با احراز مالکیت خواهان بر ملک متنازع‌فیه و احراز تصرف خوانده بر ملک موصوف و احراز عدم جواز تصرف از ناحیه خوانده بر ملک متنازع‌فیه و احراز احداث دیوار سنگی در اطراف زمین، دعوی خواهان را وارد، تشخیص و به استناد مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۱۱ ق.م. و مفهوم مواد ۳۱۳ ق.م. و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ آ.د.م. رأی به محکومیت خوانده به خلع ید از یک قطعه زمین واقع در محله م. به مساحت ۳۰۲ متر وفق کروکی ترسیمی کارشناسان منتخب دادگاه و قلع و قمع دیوارهای سنگی احداث‌شده توسط خوانده و مقادیر و حق الزحمه کارشناسی و هزینه دادرسی در حق خواهان محکوم نموده‌اند. این رأی در مورخ ۹۲/۴/۳۱ (ص ۴۲) به محکوم‌علیه ابلاغ نامبرده دادخواست فرجامی در مورخ ۹۲/۵/۲۴ به شماره ثبت ۰۱۶۰۰-۹۲ (ص ۵۸) تقدیم و متعاقب تبادل لویج بدین مرجع ارسال داشته‌اند. حین شور دادخواست فرجامی و لایحه تبادل قرائت می‌شود. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای سیدرسول حسینی طباطبایی - عضو ممیز و اوراق پرونده - و نظریه کتبی آقای حسین نوروزی - دادیار دیوان عالی کشور - اجمالاً مبنی بر نقض رأی فرجام‌خواسته دادنامه شماره ۰۳۹۹-۰۰-۹۲-۱۳۹۲/۴/۱۸ مشاوره نموده، چنین رأی می‌دهد:

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۰۱۰

تاریخ: ۱۳۹۳/۲/۷

مرجع رسیدگی‌کننده: شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور

۱. ظاهراً عبارت صحیح این باشد: «دادگاه با عدم وصول اعتراض، ختم رسیدگی را اعلام [کرده]، طی دادنامه شماره ۰۳۹۹-۰۰-۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۸ (شعبه اول حقوقی بیرجند) (ص ۳۶) با [تهیه] گزارش از تحولات پرونده به شرح منعکس [در آن]، [که از نظر] دادگاه [گزارش هیأت کارشناسی ارائه شده] با اوضاع و احوال موجود قضیه [موضوع] نظر هیأت کارشناسان سه نفره با محل [متنازع فیه] مطابقت داشته».

متن رأی

«فرجام خواهی آقای ع.الف. نسبت به دادنامه شماره ۰۰۳۹۹-۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۸ صادره از شعبه اول محاکم عمومی حقوقی بیرجند اجمالاً وارد است. دعوی طرف فرجام خواه، خلع ید و قلع و قمع بنای احداثی است، در قبال آن، خواننده دعوی در مقام دفاع عنوان نموده دعوی تقابل اقامه نموده است در اجلاس اول دادرسی مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۲ لایحه ثبت شده به شماره ۰۰۶۴۰-۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۲ (صفحات ۱۷ لغایت ۱۹) عنوان نموده. با عنایت به تقدیم دادخواست تقابل در این پرونده تا رسیدگی به دعوی تقابل رسیدگی به دعوی خلع ید و قلع و قمع بنای جایگاه قانونی ندارد. تصویر دادخواست تقابل در صفحات ۴۵ و ۴۶ پرونده محاکماتی ضمیمه است و اظهار عقیده‌ای در جواب آن مشاهده نگردید. نظر به اینکه در و یا فاقد تأثیر است خواهد بود زیرا دعوی طاری با اصلی لازم‌التأثیر باشد. به حکم اخیر ماده ۱۰۴ آ.د.م. دعوی، قابل تجزیه نبوده و دادگاه باید یک‌جا رأی دهد. نظر به اینکه این امر زمره حقوق اصحاب دعوی و موازین دادرسی و شمول عنوان قواعد آمره است رسیدگی به دعوی طاری از عناوین استلزام دادرسی است به نحوی که تصمیم در هریک مؤثر در دیگری است. با نقض رأی مرقوم به استناد بند ۳ ماده ۳۷۱ آ.د.م. به همان مرجع صدرالذکر، ارجاع تا با تمهیدات رسیدگی دعوی طاری و با تصریح سبب نفی استلزام و مقتضیات دادرسی، تأسیس رأی در ثانی نمایند.»

مستشاران شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور

نظریه اقلیت:

(«نظر به اینکه دادنامه فرجام خواسته با توجه به سند مالکیت ثبتی فرجام خوانده، وفق مقررات، اصدار یافته خاصه اینکه دلیل موجهی از ناحیه فرجام خواسته که نقص^۱ دادنامه را ایجاب نماید ارائه نگردیده نهایتاً به ردّ فرجام خواهی و ابرام دادنامه فرجام خواسته عقیده دارم.»)

مستشار شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور

ب. یادداشت بر رأی:

۱. پیش از همه، بازنویسی رأی شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور از نظر نگارنده بایسته است؛ چراکه ادبیات این رأی، بسیار موجز و مجمل و البته در برخی بخش‌ها نارساست. گرچه خوانندگان حقوقی با درنگ به پیام اصلی رأی پی می‌برد، شایسته است دیوان عالی کشور به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی، در نگارش رأی بیشتر دقت نموده تا از قتل این قبیل رأی ثاقب و صائب، ادبیات آموزنده‌ای برای قضات، وکلاء،

۱. به نظر می‌رسد «نقص» صحیح باشد.

استادان و دانشجویان حقوق به یادگار ماند. نگارنده بر این باور است که رأی مزبور را چنین می‌شود بازنویسی کرد:

«فرجام‌خواهی آقای ع.الف. نسبت به دادنامه شماره ۹۲-۰۰۳۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۸ صادره از شعبه اول محاکم عمومی حقوقی بیرجند اجمالاً وارد است؛ دعوی طرف فرجام‌خواه در این پرونده، خلع ید و قلع و قمع بنای احدائی است که در مقابل آن، خوانده دعوی نخستین در مقام دفاع عنوان نموده که دعوی تقابل، اقامه کرده است و در جلسه اول دادرسی مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۲ طی لایحه ثبت‌شده به شماره ۹۲-۰۰۶۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۲ (صفحات ۱۷ لغایت ۱۹) این امر را متذکر شده است. با عنایت به تقدیم دادخواست تقابل در این پرونده، رسیدگی به دعوی خلع ید و قلع و قمع بنا، تا رسیدگی به دعوی تقابل جایگاه قانونی ندارد. تصویر دادخواست تقابل در صفحات ۴۵ و ۴۶ پرونده محاکماتی ضمیمه است که اظهار عقیده‌ای در جوانب آن مشاهده نگردید.

نظر به اینکه رسیدگی به دعوی تقابل در اثر داشتن و یا بی‌تأثیر بودن دفاع خوانده نخستین (فرجام‌خواه) مؤثر خواهد بود، زیرا دعوی طاری با دعوی اصلی لازم‌التأثیر می‌باشد و به حکم اخیر ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی، این دعوی قابل تجزیه نیستند و دادگاه باید یکجا درباره آنها رأی دهد و نظر به اینکه این امر در زمره حقوق اصحاب دعوی و از موازین دادرسی و مشمول عنوان قواعد آمره است و رسیدگی به دعوی طاری از عناوین استلزام دادرسی است به‌نحوی که تصمیم در هریک مؤثر در دیگری است، با نقض رأی مرقوم به استناد بند ۳ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی، پرونده به همان مرجع صدرالذکر ارجاع می‌گردد تا با تمهیدات رسیدگی به دعوی طاری و یا با تصریح به سبب نفی استلزام این رسیدگی و بیان مقتضیات دادرسی و رسیدگی به دعوی اصلی، متعاقباً در ثانی مبادرت به صدور و تأسیس رأی نمایند».

آن بخش از رأی که به‌صورت نظر اقلیت آمده، از جهت نگارشی از ایراد و اشکال کمتری برخوردار است. حقیقت این است که رأی شعبه ۲۱ آن‌چنان ناقص و دارای افتادگی است که هر جمله آن را می‌شود به‌گونه سلیقه‌ای تکمیل نمود و دور از

تصور نخواهد بود که خوانندگان دیگر بتوانند متن رأی را با عباراتی دیگر تکمیل نمایند و این حد از اختصار و ایجاز بی‌تردید موجب نقصان در ادبیات دادنامه شعبه مزبور است. به‌ویژه آنکه مخاطب رأی، مردم هستند و نمی‌شود چشم داشت که همواره حقوقدانان رأی را بخوانند و به سرّ و اسرار آن پی‌ببرند.

۲. این رأی دربارهٔ ارتباط میان دعوای است و شعبهٔ ۲۱ دیوان عالی کشور چنین ارتباطی را به معنای تأثیر یک دعوا بر دعوای دیگر دانسته که با تعریف مقنن از «ارتباط کامل» در قسمت پایانی ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز منطبق است: «بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هریک، مؤثر در دیگری باشد».

این معنا از ارتباط میان دعوای اصلی و تقابل، مفهوماً و نوعاً قابل پذیرش است و شعبه مزبور، مصداقاً و شخصاً نیز در دعوایی که برابر رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور «فرع بر مالکیت است» و «قبل از احراز و اثبات مالکیت قابل استماع نیست»^۱، دعوای ابطال سند رسمی مستند آن دعوا به استناد دلایل خواهان تقابل، از جمله قولنامه میان او و ایادی قبلی را دعوای دارای ارتباط کامل شناخته است. از نظر نگارنده گرچه تاریخ سند عادی نسبت به اشخاص ثالث، بی‌اعتبار است (ماده ۱۳۱۵ قانون مدنی) و سیاست و امنیت حقوقی، اعتبار اسناد رسمی بر سند عادی را تفوق یا رجحان می‌دهد، تردید کمتر است. اما به باور پژوهنده اینکه یک دعوا مستند به سند رسمی باشد و دعوای دیگر مستند به سند عادی، در مفهوم ارتباط میان دعوای بلاثر است. از این رو، دعوای تقابل به خواستهٔ ابطال سند رسمی مستند دعوای اصلی از جمله دعوای موضوع شق اخیر ماده ۱۴۱ به شرح فوق می‌باشد و رأی شعبه ۲۱ از این نگاه قابل تأیید است.

۳. استناد شعبه ۲۱ دیوان یادشده به ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی نیز در نوع خود جالب و بدیع و در عین حال بسیار آموزنده است. خوانندگان نیک می‌دانند که این ماده درباره دعوای قابل تجزیه است و چون در این پرونده شعبهٔ نخستین به دعوای تقابل رسیدگی ننموده، چنین متداعی و متبادر به ذهن

می‌گردد که دعوای اصلی و تقابل (خلع ید و قلع و قمع و ابطال سند رسمی) یک دعوای قابل تجزیه به‌شمار می‌آید که با اظهارنظر کارشناس و آماده شدن پرونده برای صدور رأی در دعوای اصلی، دادگاه خلع ید و قلع و قمع را از دعوای ابطال سند رسمی تجزیه نموده و چنین رأیی داده است. از سوی دیگر، دعوای طاری از شمول ماده ۱۰۴ آن قانون خارج هستند و دادگاه باید هم‌زمان به آنها رسیدگی نماید (ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی) و در یک دادنامه نسبت به آنها رأی دهد. در این معنا نیز رسیدگی توأمان اعم است از رسیدگی هم‌زمان در یک پرونده به معنای خاص و صدور رأی هم‌زمان در یک دادنامه نسب به هر دو دعوای نباید چنین پنداشت که دادگاه در حین رسیدگی توأمان می‌تواند درباره هر یک جداگانه رأی صادر نماید. این نکته مهم و قابل تأییدی است که رأی شعبه ۲۱ با ظرافت بسیار بالایی بدان تأکید نموده است. مزیت این‌گونه اظهارنظر و صدور رأی، بی‌تردید ممانعت از صدور آراء متعارض است و اینجاست که حقیقتاً - چنانکه در رأی آمده - رسیدگی توأمان به دعوای اصلی و تقابل، از موازین دادرسی و قواعد آمره به‌شمار می‌آید.

۴. حقوق اصحاب دعوا نیز مستمسک دیگری برای شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور بوده تا رأی فرجام‌خواسته را نقض کند. این مفاهیم گرچه بسیار کلی هستند و بسیاری از قضاوت و وکلاء از تبیین مفهوم آن گریخته و از این موضوع به‌راحتی عبور می‌کنند، اما به اعتقاد نگارنده تأمل در رأی شعبه ۲۱ دیوان مزبور از این باب نیز ارزشمند است. اینکه مقنن، خواننده را محق دانسته تا پایان جلسه اول دادرسی با احراز شرایط قانونی^۱ چنین دعوایی طرح نماید، رسیدگی به آن نیز حق اوست و اظهارنظر نمودن در این باره به هر دلیل، خواه اینکه مستند دعوای خواهان سند رسمی باشد یا اینکه جلوگیری از اطاله دادرسی چنین ایجاب کند، روا نیست. قانون‌گذار در ماده ۱۴۱ آن قانون حتی این مطلب را بیان کرده که چنانچه دعوا،

۱. درباره شرایط طرح این دعوا نک: حسن محسنی، «رویکردی تطبیقی بر دعوای متقابل»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۷۳ (سال ۱۳۹۶)، صص ۱۸۳-۱۸۶.

دعوای متقابل نباشد در دادگاه صالح به‌طور جداگانه رسیدگی خواهد شد که بار دیگر نشان‌دهنده لزوم رسیدگی توأمان به دعوای اصلی و تقابل است؛ دعوای ای که نمودار اعمال حق دادخواهی مردم هستند. پس اگر رسیدگی جداگانه به دعوایی که تقابل نیست حق صاحب آن است، رسیدگی توأمان به دعوایی که حائز شرایط این دعوا است نیز طبق قانون، حق اوست که در رأی شعبه ۲۱ به‌درستی مورد اشاره قرار گرفته است.